

شرح آیات موعود

حضرت

میرزا ابوالفضائل گلپایگانی

بتصویب

مجلس مرکزی نهند و برهما

باتمام فشی عبدالعزیزخان پزیر

در مطبع عزیزری آگره چاشند

۱۹۲۵

رساله شرح آیات مودعه
تالیف میرزا ابراهیم خلیلعلی

هوالابی

بناکن عسبری و تازی پس راز کیانی گواهد پارسی بر خوان
نوی خسرانی گو بر اولوالباب پوشیده نیست که چون حکمت بانه
الهی متقنی شد که نوع بشر را بگردانش بیاراید و بصنوف کمالات
که در نور احسن التعمیم است مزین و مؤید دارد و طوالت
متوحشه بشریه را بمراسم تمدن و هیئت اجتماعی مودب فرماید
بمبوت فرمود در میان هر ملت یکی از ایشان را بر تبه رسالت و مؤید
فرمود قلب منیر او را بروح القدس ربوبیت و هر یک را منقح فرمود
بخطاب ربانی و منصور و مؤید داشت بهمین نامه آسمانی تا توسط
این ارواح مجرده مردم وحشی نوی انسانی گیرند و حیوانات غیر معلمه
معلم عالم گردند از جمله ممالک و مملکت ایران و ملت پارسیان را
نیز در سوابق از زمان با رسال رسل و فرستادن پیغمبران از گوش

و نادانی برهائند و بجگای بزرگ و خسروان نامدار کم و مویید
 ساخت مانند کیموت و هوشک و جیش و فریدون و منوچهر و
 سیاوخش و کیمور و امثالهم که اسامی ایشان معروفست حالاتشان
 کما فی بعضی معلوم و فارسیان مدعی آنند که قبل از مبوط حضرت
 ابرالبشر بازمه متماذیه که بحساب ایالی نیز نام احصای آن است
 پذیرفت چهار طبقه که عبارت از مه آباویان و جیان و شایان
 و یاسایان است رتبه نبوت و سلطنت یافته اند و بعد از ایشان
 کلتایان که مورخین آنها را پیش دادیان نامند پس از ایشان
 کیانیان در ایران سلطنت نموده اند لکن چون دانستند ان
 یافته اند که از بد خلقیت کمانبنی احدی غیر از حق جل ذکره آگاه
 نیست لذا وقایعی که در حالات طبقات مذکوره نوشته شده از قبیل
 افسانه و خرافاتست لهذا حکمای اروپائیان اعتنا فرموده اند
 و بعد از مدیت و دولت ایران از پادشاه بزرگ سیروس گرفته اند
 و بالجملة چون تاریکی بت پرستی ایران را از فروغ دانش بازداشت
 و مردم این سامان خوی دوان و روش جانوران گرفتند از شش

یزدان مهربان باران نیسان بر ایران میوز نشان بارید و چشمه
 هر یزدی از این کشور بزرگ بچوید و شت زردشت که دل پاکش
 بفرود نخستین خود روشنی داشت بر پیغمبری برانگیخته شد و
 بر اینمانی آفرینش بشاهراه آئین و پیش سرافرازی جت و میت
 و یک نیک اوستا بروی فرود آمد در آن هنگام اورنگ
 خسروی ایران بشاهنشاه آگاه گشت سب شاه کیانی دین آرایش
 داشت و خسرو یزدان بیارگاه خسروی اندر آمد در بارگاه
 شاهی بار داد و گفتگوی بسیار شد شت زردشت لحنی از او ستا بر خواند
 و نیروی نامه یزدانی بر بت پرستان اهرمن خوی چیره آمد و خسرو
 ایران آئین یزدان را پذیرفت و بکوشش آن شهریار کامکار و
 فرزند نامدارش اسفندیار آئین هبی در ایران رواج یافت تاریکی
 بت پرستی زدوده گشت و از پر تو خسته نامه یزدانی پایه هرودانش در
 ایران روی بفرزایش نهاد و فرزندان نامور و موبدان آئین
 پرورد پادشاهان داد گستر در این فرخنده کشور پدید آمدند و روزگار
 بسیار دین هبی در ایران پایید و پادشاهان بزرگ در این کشور

پدید آمدند آسمی نشان که ایشانرا کا و دوسیان نیز گویند و
 اسکانیان و ساسانیان و اسپهبدان مازندران پس چون
 یکمزار و هفتصد سال کم و بیشی از این روزگار بگذشت اندک
 اندک این مروی و روشنی دلنشوری از میان شان برداشته شد
 و فرمان خدای بزرگرا خواهر کردند و در شهای زشت را پیش نهاد
 خود کردند تا آنکه آتش خشم خداوند بر ایشان افروخته گشت و آتش کفر
 نیردانی ایران را فرو گرفت و فروغ نختن خرد از تازی سوی
 جهان بدرخشد و اختر و انش و هنر از کشور بطلماسرزد و ستوده پیغمبران
 نبیوی قرآن در جهان نامور شد و این فرخش از باختر تا خاور فرا
 گرفت از پیروان نابدارش خسروی ساسانیان سپری شد و این
 بھی روی برپستی دستی آورد و اکنون هزار و دویست سال افزون
 است که بھی کیشان در ایران و هندوستان کردهی اندک پراکنده
 اند و خسروان تازی آیین و شی کیش اسور تا و بنده و با بجز با آنکه
 هنوز از ستا و زنده دیگر نامهای پارسیان ترجمه نه شده است نزد
 فارسیان مسلم است که خداوند زشت ابر آنچه نکاشته آمد اجبار فرمود

و از چگونگی و آمانه و انجام بھی کیشی آگاه نمود و اورا بشارت داد که
 پس از غلبه تازیان و پریشانی بھی دینان خداوند بزرگی را در ایران
 از نژاد خسروان کیان پیغمبری برانگیزاند و بر بوبیت کبری مبعوث
 فرماید تا جان از باختر تا خاور بگردان سپستی کرد آورد و اهل عالم را
 بیک دین یک آیین متفق گرداند از جمله در دینکرد که از کتب متقدمه
 معروفه این طالعنه است پس از ذکر ظهور دین عربی و انقراض دولت
 پارسی و ذلت خواری گروه زردشتی میفرماید چون هزار و دویست و
 اند سال تازی آیین را گذرد و پیشد پیغمبری برانگیزته شود انتهی و لفظ
 اندر پارسی مرادف بضع است در عربی مراد از یک تا نه عدد است
 در مرتبه خود از مراتب اعداد و عشرات و مات خلاصه ترجمه عبارت
 این است که چون هزار و دویست و کثری از دین اسلام بگذرد یعنی
 قبل از آن که تاریخ ظهور اسلام هزار و سیصد و برسد صاحب روح قوی
 بر تبه رسالت کبری مبعوث گردد و نیز در کتاب ساساتیر که از کتب مسلمه
 ایشانست و آنرا از پیغمبران باستان از مه آبادیان تا از ساسان
 پنجم میدانند و با عقا و نگارنده ما خواند از دستا فراهم کرده آنرا کیوان

است با سان نخست و ساسان پنجم میفرماید آئین تازی پدید آید و
 بزرگان مردی سخن گو باشد و گفتاری در هم پیچیده دارد که هر کس
 بهر سو بردش مردمان آن آزی در هم افتاده باشد و از سر نو بزرگان
 کیش خویش را بکشند و آنچه بزرگان فرموده هم نکنند این آئین دریا
 شوریت چهار سو به باد دار که انجام کشتی خود را فرو برد چون هزار سال
 تازی آئین را گذرد چنان شود از جدایها که اگر بایس گر نمایند باز
 نشا سدش و اگر نماند از همین چرخ جز یکدم بر انگیزم از کسان تو
 کسی را که آب و آئین تو را بتور نام و پیغمبری و پیشوایی را از فرزندان
 تو بگریزم انتی در همین نکارش جز این مختصر از کتب مرقوم در خاطر بود
 لهذا باین مقدار اختصار رفت تا در عبارات زیاد و کمی که لازم سهو
 و لیسان بشری است واقع نشود و الا عبارات کتب مذکور هم در هر
 از آنست که عرض شد و کرده و بتان المذاهب در شرح حال
 فارسین فرموده است که خداوند بزرگ دشت فرمود من تو را میان آفریم
 چنانچه از کیومرث تا نوسه هزار سال خواهد بود هم چنین از تو تا روز
 رستخیز سه هزار سال خواهد بود انتی و نزد مبصران در فن تاریخ

روشن است که از زمان گشاسب که زروشت در عهد وی بر سالت
 مبعوث شد تا ظهور اعظم سه هزار سال گذشته است مرام آنکه در تعیین
 وقت ظهور اکثر فارسین حتی علمای ایشان مطلع و آگاهند اینست
 که از این فیه نیز جمعی لقبول امر اعظم منتظر گشتند و معرفت و هدایت
 مؤید شدند و لایتذکر الا اوله اباب و فی آخر القول و ختم الکلام
 معروض میدارم که احصای بشارات انبیاء و مرسلین بر این ظهور کریم
 و طلوع منبع فحیم در این مختصر امکان پذیر نیست و نگارنده اوراق
 آیات کتب مقدسه سآویدر آنکه هر کسیت بر این ظهور در سنه ماضیه در
 حین ظهور از کاشان در جواب سائل میرزا ارسطو مرقوم داشته و برنج
 اتم قوم اقامه برهان نموده است و لکن منکرین و مکذبین الذین یکذبون
 بیوم الدین برای اضلال عوام هر خطه کسلی از جبال اودا تم سکند و انفا
 لادهن من بیت العنکبوت کا هی بخر لیت کتب مقدسه و کا هی بخر لیت
 معروف کذب الوفاقون نشئت جسته خاق را از سبیل رشد و هدایت
 منبع می نمایند مثل ام ماضیه قوم خود را در البوار شرک و کفر می گردانند
 این قدر متشعر و مدبر نیستند که خداوند فرموده است مردم عالم

وقت قیام و ساعت نیستند فرموده من نیز خود عالم فیتیم و امام فرموده
 است دیگران در همین وقت ظهور دروغ گفته اند فرموده است اینکار
 در سل و ائمه پس آیا آنها هم ایماذ بالله کاذب بوده اند و ما نمی گوئیم
 فلان عالم چنین گفته است بلکه می گوئیم خدا و رسول چنین فرموده اند
 و نزد مبصرین هویشا روشن است که علم کل شیء نزد مخازن علم و مخا
 لفی و منازل حکمت الهام بوده و خواهد بود در کتاب آئی و فرقان
 مجید نازل گشته است و حجت اعظم در بیان اتم اقوم بر ملل آیات
 آئی است و کتاب ربانی الذی احاط العالم و استقنار من نوره
 الامم و اضلال معانین و تسویات منکرین مانع از غلبه امر حضرت
 رب العالمین نتواند شد و یوم قیوم انوار امر اعظم از آفاق عالم
 ساطع تر و مشرق تر خواهد گشت فسوف یقیم الله بقوته ظهر الطغیان
 و یطوی بقدرته بساط الادیان بحیث لا یبقی فی الارض الا الذین الخالص
 و الامم الواحد الحمد لله رب العالمین و التسلوة و السلام علی عباده

صطفییم الله
 الذین ایمنوا
 یوم الدین

این سه مقاله در شرح آیات مورد تفسیر کلیمیان و زردشتیان و اسلام
 را حضرت متقاعد الی الملکوت الابهی لایمیرزا ابوالفضل گلپایگانی
 در موقع مسافرت ایران در حدود ۱۳۰۵ هجری در همدان
 و اطراف مرقوم فرموده اند - و سال گذشته در موقع اجتماع
 کنونش پنجم در مجلسی جناب مهتر اردشیر خدا بخش ایرانی
 متخلص به بهجت جناب مهر محمد خان شهاب مالیر کوشلوی مدیر
 رساله کواکب هنر دلی عنایت فرمودند - چون ایک مقاله
 خیلی معروف است و شایقین در تحسین آن بوده و کتاب
 مستطاب الفراید هم دیگر کیاب است لهذا الجنته الاشاعت
 مختل مرکزی هند و برهما بطبع و نشر آن پرداخته
 و امیدوار که این خدمت مقبول اجاب شود و حواشی در اصل
 کتاب بنوده و اینجد برای سهولیت قارئین افزوده -

حشمت الله - اگره

ط ۸۱

بنام خداوند بیکجا

خدمت ذی سرت دانستند ان و مشایخ کت فحیمه
اسرائیل عرض میشود که خداوند جل ذکره در از مننه سابقه
ایشانین بنیله را بمراتب توجید و خداشناسی هدایت
فرمود و از ننگ پرستش اصنام که در آن هسنگام
دین عموم اهل عالم بود مظهر ساخت و بنی اسرائیل را قوم
مخصوص خود خواند و بدین تخصیص ایشان را بر کل ملل و
قبایل برتری داد و توسط سرور پیغمبران حضرت موسی
کتاب مستطاب توریة را که منور عالم درها نند
اهم است نازل فرمود و شریعت را درین کتاب

موسس محکم ساخت و پس از وفات آن پیغمبر عظیم ایشان
و ارتقار آنحضرت بمقام قرب حضرت سبحان این دین برین
رادر هر قرن در زمان پیغمبرهای پیغمبران بزرگ مؤید
ساخت و تا مدت یک هزار پانصد سال ملت فحیمه اسرائیل
بوجود این پیغمبران جلیل و وحیهای نازل بر ایشان که
اکنون معروف بر سائل انبیاست منور و مفتخر بود و چون
انسان بصیر پوشیار درین کتب مقدسه توریة و رسائل
انبیاء ملاحظه نماید خواهد یافت که خبر بزرگی که در تمامی این
کتب است اینست که عصای سلطنت اسرائیل خواهد
شکست و پادشاهی ایشان انقراض خواهد یافت و در
اقطار عالم از مشرق تا مغرب پراکنده خواهد گشت و
در مدت طولانی که آغاز و انجام آن نیز در وحی آلهی معین
و مورخ است و بیلاهای سخت گرفتار خواهد شد و شهرهای
ایشان خراب و ویران خواهد شد و ادر شلیم پایمال
قبایل خواهد گشت تا آنکه بزرگی از جانب خداوند بر توبیت

کبری مبعوث کرد و بنی اسرائیل را از ذلت و گرفتاری
 نجات بخشید و بمراتب عزت و بزرگی نائل فرماید و جمیع
 طایفت عامرا بیک دین و یک مذهب متفق گرداند
 و بنی اسرائیل را رتبه در اشت ارض و هدایت
 عباد عنایت فرماید. و بالجملة چون بر مراتب مذکوره
 وقوف حاصل شود معروض میدارم که درین قرن شریف
 دیوم عزیز اهل بهائمدعی بر آنند که میباید بطور این وعده
 مبارک فرارسیده است و وجود مبارکی که نجات بنی
 اسرائیل بلکه نجات کل اهل عالم موقوف بظهور او بود از
 مشرق عالم طالع شده و سطوت و اقتدار او با وجود
 معاندت کل ملل در تمام بلاد ظاهر گشته یعنی نیز وجود
 مسعود مقدس حضرت بهاء الله را در ۱۲۸۵ هجری در
 ارض مقدسه بربیت اشام در شهر عکا که در حول کوه
 کرمل است خداوند با عظم اسماء ربوبیت کبری ظاهر
 فرمود و کلام الهی و وحی آسمان را بر بنی که در تورات وعده

داده شده بر لسان مبارکش نازل نمود و شریعت مقدسه
 او که حیات بخش عالم و محل اتفاق کل امم است و مثل است
 بر صلوة و صوم و تمامی آداب عالیہ انانیہ و معانی صفات
 و کمالات روحانیہ و دوستی و نیک خواهی کل امم و موادرت
 و معاشرت با تمام اهل عالم در کتاب مستطاب اقدس خود
 مؤسس داشت و کلمه نافذ و اش درین مدت قلیل که
 قریب بست و پنج سال است بدون وساطت ملکی از عزت
 و ثروت و سیف و امثالها در اکثر بلاد غالب گشته و
 با دشمنی و معاندت اکابر هر ملک و ملت از سلاطین و
 ملوک و علماء و امرآء حتی عامته رعایا امر مبارکش در
 اکثر بلاد نافذ شده و حجت در بیان ظهورش نزد ارباب
 قلوب صافیہ از نجای هر مذهب و ملت مقبول و روشن
 گشته بنا بر آنچه که عرض شد ما را در سه مقام تکلم باید که
 شاید بخواست خداوند ملت عزیزه اسرائیل بسبیل نجات
 راه جویند و از ظلم قبایل و گرفتاری بیت امم رستگاری

یا بنده این سه مقام که در آن تکلم میشود عبارت است از بیان
 دلیل و تجرید شریعت و بشارات صریحه در کتب مقدسه
 بر این ظهور عظیم و الله یهدی من یشاء الی سبیل الواضح
 المستقیم - مقام اول در بیان این مطلب است که
 هرگاه پیغمبری ظاهر شود حجت او چه باید باشد و بچه دلیل
 صدق رسالت او بر طالب مستعد واضح و معلوم گردد
 درین مقام معروض میدارم که آنچه عموم اهل عالم حجت و
 دلیل پیغمبران دانسته اند معجزات است بدون آنکه تدبر و
 تفکر نموده باشند در اینکه آیا معجزات ممکن است و
 بر فرض امکان مفید بر فائده در تکمیل روح و تحصیل حیات
 جاوید هست یا نیست و آیا کتب مقدسه تصدیق بر حجت
 آن نموده یا ننموده و لکن اهل تحقیق دانسته اند که حجت هر
 پیغمبری منحصر بجهان است که خداوند با و عنایت فرماید
 و هر چقدری که خداوند بر رسول خود عنایت فرمود بان کتلی
 اهل عالم را عاجز خواهد نمود که نتوانند مثل آنز ابریا درند

و یا مانع طلبه امر او گردند و با چون در کتاب مقدس توریته
 نظر کنیم تو انیم دانست که حجت هر پیغمبری که بعد از حضرت
 کلیم ظاهر شود کلام الهی و وحی آسمانی خواهد بود و بدین
 معجزه بزرگ و حجت روشن خداوند دین او را غالب خواهد
 فرمود چنانچه در فصل (۱۸) از سفر توریته متنی از آیه (۱۸)
 تا آخر فصل میفرماید (۱۸) از برای ایشان پیغمبر را
 مثل تو از میان برادران شان مبعوث خواهیم کرد و کلام خود
 بدان نشان خواهیم گذاشت تا هر آنچه با و امر میفرمایم
 بایشان برساند (۱۹) و واقع میشود سخنی که کلمات مرا
 که او با سم من میگوید نشنود من نشنیش خواهیم نمود (۲۰)
 اما پیغمبری که متکبرانه در اسم من سخنی که بگفتنش امر نفرمودم
 بگوید و یا با سم خدا یا ان تلفظ نماید آن پیغمبر بسته باید
 بمیرد (۲۱) و اگر در قلبت بگوئی کلامی که خداوند نطقه است
 چگونه بدانم (۲۲) چنانچه پیغمبری چیزی بنام خداوند
 بگوید و آن چیز واقع نشود و با انجام نرسد این امر است که

خداوند فرموده است بلکه آن پیغمبر آنرا از روی غرور گفت است
 و از او ترس انستی از ملاحظه این وحی مبارک معلوم میشود که
 خداوند اخبار فرموده است از ظهور پیغمبر آن راست گو و
 پیغمبر آن دروغ گو و میزان در معرفت و دلیل صدق پیغمبر آن
 سابقه نزول کلام الهی بر لسان مقرر فرموده و میزان معرفت
 و دلیل کلام خداوند از کلام غیر خداوند این نکته را مقرر
 داشته است که اگر آنچه فرمود در عالم تحقیق یافت و حکم
 او غالب و نافذ شد کلام خداست و الا کلام بشر است
 پس از صریح این وحی معجزات دلیل پیغمبر آن نتوانند بود
 و الا حضرت موسی میفرمود اگر پیغمبری چیزی با اسم من بگوید
 و تو در قلب مرده باشی که آیا این پیغمبر از جانب خداوند
 است یا نه معجزه بطلب پس چون حضرت کلیم از معجزه چیزی
 نفرمود و آنرا میزان قرار داد ما را نمیرسد که دلیل پیغمبر آنرا
 معجزات قرار دهیم و امر را که خدا فرمود بغرور خود از پیغمبر آن
 بخوابیم گذشته از تصدیق توریة بر حجیت کلام الهی و حجیت

نبودن معجزات عقل سلیم شهادت میدهد که معجزات دارایی
 فوائد مانند کلام الهی نیست زیرا کتاب خداوند نمیند و ای
 عالم بشریت در توحید و معرفت تواند بود و بدست هر کسی تواند
 رسید و زمانهای طولانی باقی تواند ماند تا حاضر و غایب و
 موجودین و معدومین که من بعد بوجود آیند کمال تواند بر حجت
 الهی آگاه شوند و از تلاوت آن کمالات روحانیه را که
 موجب حیات جاوید و زینگی ابدی است حاصل نمایند
 و سایر معجزات همچیک برای آنکه نیست و دارایی این فوائد
 نه چینی مثل اگر مرده زنده گردد یا درختی بتکلم آید مفید هیچ
 فایده از فواید مذکوره نخواهد بود و به سایر بلاد برای هدایت
 عباد نتوان فرستاد و باقی نخواهد ماند تا حجت بر آیندگان
 تمام شود و دین خداوند عالم را احاطه نماید پس روشن شد که
 از آنچه در عالم موجود است هیچ چیز در رتب و شرافت
 علم و کتاب نیست که حجیت و دلیل پیغمبر آن باشد و شهادت
 بر حجیت انبیا و مرسلین و هدیه نیکو است که یکی از دانشمندان

فرزوده شکر

گر بدی گوهری در آبی سخن

آن فرود آمدی بجای سخن

و اصنافه بر این دو دلیل عقلی و نقلی که هر ایک شخص منصف
کافی است در اثبات حجیت کلام الهی و حجت نبودن معجزات
چون انسان متفلسف و هو شیارد درست ملاحظه نماید خواهد
یافت که خواستن معجزات از انبیا امتحان نمودن خداوند است
زیرا که امتحان ذات غیب الهی بوجهی مقول نه جز با امتحان
مظاہر او پس خداوند در آیه (۲۶) از فصل (۶) توره شنی
فرموده است که خداوند خود را امتحان ننماید بناید ما معجزات
حجت قرار دهیم و پیغمبر از امتحان کنیم چنانچه بت پرستان
مغزوران در هر زمان امتحان کردند و کافر شدند ما نیز امتحان
کنیم کافر شویم و در پیش تکبران پیش را امر مشق روش خو
گرداییم و از آن جام که ایشان آشا میدند ما نیز بیاشامیم و
مگره شویم بعد از آنکه جمیع لوازم تکلیفی در کتاب بیان شده

و تمام مایحتاج انسانی من حیث الاصل و الفرع در توره
مقدس نازل گشته چه ظاهراست که خداوند مهربان چنانچه
در توره جمیع طرق نجات را در فروع که متعلق بعبادات و
معاملات است بیان فرموده البسته مایحتاج بشر را
در اصول که عبارتست از معرفت پیغمبران و چگونگی حجت و
دلیل ایشان نیز بیان فرموده و عباد را سر خود و حیران
و انگذاشته است با جمله مقصود از تطویل از خدمت مشایخ
ملت فحیمه اسرائیل اینست که دریا بند که چون خداوند
جل ذکره جمیع لوازم دینیته ما را اصلا و فرعا در توره مقدس
بیان فرموده و ذکر می از آنکه حجت پیغمبران معجزاتست
نفرموده ما از پیش خود نمیتوانیم آنرا حجت قرار دهیم و بان
انبیاء را امتحان نماییم و الا ظاهراست که پیغمبر خاصه
مرسل و صاحبان شریعت مظاہر قدرت اقدار خداوندند
و بر هر معجزه قادر و توانا و بر هر چیز باذن الهی مقتدر و حاکم و
فرمان روا هستند و لکن حجتشان کلام الهی است و مانع

افتخارشان وحی آسمانی مقام دوم در اینست که آیا شریعت
توریه بنظور پیغمبری از جانب خداوند جائز است تغییر
یابد و شریعت مقدسه بنظور جدید لباس جدید پوشد یا نه
اولا چون در این مقام اندکی تفکر نمایم یقین خواهیم نمود که
نهایت کوشش که بر ما است در شناختن نفس پیغمبر است
نه احکام او زیرا که مستقیم شهادت میدهد که اگر بدلیل ثابت
شد و برهان محقق گشت که پیغمبری از جانب خداوند مبعوث
گشته اطاعت او لازم است در حکم او ولو هر چه باشد
چون و چرا جایز نیست ثانیاً در کتاب مستطاب توریه
در سائل انبیا تصریح شده تجدید شریعت مثلاً اینکه در توریه
فرموده از برای ایشان از میان برادرانشان پیغمبری
مانند تو مبعوث خواهیم کرد معقول تواند بود جز آنکه آن پیغمبر در
حکم و اقتدار مانند حضرت موسی باشد چه ظاهر است که اگر
نفسی در او این قدرت نباشد که دینی تشریح کند و او مثل
موسی نبوده است در تبه او را نخواهد داشت و این مطلب

در نهایت و ضوح است که سلطان کسی است که خود مثل
سلطان سابق قادر بر حکم باشد و مانند حاکمان مجبور باطاعت
احکام بادشاهی دیگر نباشد و اما در رسائل انبیا تصریح
تر از اصل توریه بر تجدید شریعت اجبار دارد شده
از جمله فصل دوم کتاب اشعیا میفرماید کلامیکه با شعیبا پر
اموص در باره یهود آورد و شلیم نازل شده این است (۲)
که در ایام آخرین واقع میشود که کوه خانه خداوند از جمیع کوهها و
لحا رفیع تر خواهد شد و تمامی طوائف بسوی آن روان
خواهند شد (۳) و تو معهای پیشار روانه شده خواهند
گفت که بیایید تا بکوه خداوند بخانه خدای یعقوب برائیم
که اورا همعایش را بما نموده در طرقت او گردش نمایم
زیرا که شریعت از صیون و کلام خداوند از اورا در شلیم بیرون
خواهد آمد ۴ و او در میان خلایق حکومت نموده و معهای
بیشار را متنبه خواهد ساخت و ایشان شمشیرهای خود را بکاو
این دینزه های خود را با تبه تبدیل کرده قومی بقومی شمشیر

نکشیده بار دیگر جنگ خواهند آموخت انتهی این وحی مبارک
 صریح است بر اینکه در آخر الزمان ظهوری بزرگ در کوه
 مقدس کرلن که بیت المقدس و عکار و حیف در حوال آن
 واقع است ظاهر خواهد شد و آن ظهور موجب ارتفاع شان
 و اشتها زدگی و علوتزلت کوه کرلن خواهد گشت و جمعی
 کثیر از هر مذہب و ملت از اقطار عالم برای زیارت آن
 رسول عظیم بیلا و مقدسه مسافرت خواهند نمود که شریعت کتاب
 الهی از او استماع نمایند و آن ظهور بزرگ نوعی خلق آیه بیت
 خواهد فرمود که جنگ و جدال بالکل از عالم دائل خواهد گشت
 بلکه آلات حربیه باذوات کتیه مبدل خواهد گشت پس از
 صریح این کلام باید شریعت تازه که موجب حرام بودن
 جنگ و قتل است در ارضی مقدسه برپا شود و این شریعت
 معلوم است به بظاہر غیر از شریعت مقرره در تورات است زیرا که
 آن شریعت در جزیریست بر حضرت کلیم نازل شد و قتال
 در وی حرام نبود و این شریعت در صیتون باید ظاهر شود و

موجب فراموشی جنگ و جدال گردد این وحی مبارک را
 عیسویان بر ظهور عیسی عمل توانند نمود چه که در ظهور آن
 حضرت قوهای پیشا بر برای زیارتش بکوه کرلن مسافرت
 نمودند و این کوه مقدس معروف اهل عالم و زیارتگاه اعم
 نگشت و نیز جنگ و جدال تجلیات او از عالم بر نیفتاد و آلات
 حرب باذوات کسب مبدل نشد بلکه آلات جنگ بمنافع
 اهل فرنگ که امت آن حضرتند تکمیل یافت و نیز در آیه
 (۳۱) کتاب حضرت یرمیاہ میفرماید (۳۱) که اینک خداوند
 میفرماید روزها میآید که من با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا
 عهد تازه خواهم بست (۳۲) نه مثل عهدیکه با پدران ایشان
 بردوزی که ایشانرا جهت بیرون آوردن از زمین مصر دست
 گرفته بستم که ایشان عهد مرا شکستند و خداوند میفرماید که از برای
 ایشان عهد مرا بجای اسرائیل می بندم اینست که شریعت خود
 بدرون ایشان نهاده آنرا در قلب ایشان خواهم نوشت و
 من از برای ایشان خدا بوده ایشان نیز بمن قوم خواهند بود

(۳۴) و بار دیگر که به سایه اش و شخصی برادرش تسلیم داده
 نخواهد گفت که بنده اعتراف نماز را خداوند میفرماید که یکی
 ایشان از کمین و همین بمن اعتراف خواهند نمود همگامیکه
 عصیان ایشان را عفو نموده گناه ایشان را بار دیگر ذکر ننمایم انتی
 این وحی مبارک نیز صریح است بر اینکه خداوند یا بنی
 اسرائیل عهد تازه خواهد بست و شریعت جدیدی بایشان
 تعلیم خواهد فرمود و آن شریعت موجب عزت ابدی و بزرگی
 دائمی بنی اسرائیل خواهد گشت همچنین در کتاب اشعیا و
 وعده داده شده پس روشن و آشکار شد که شریعت اصلیه
 آئینه لباس تازه خواهد پوشید و قانونهای دیانت و
 خداپرستی تجدید خواهد شد و این وحی را نیز عیسویان بر ظهور
 عیسی حمل نخواهند نمود چه که در تمام این فصل صریح است بزرگی
 این عهد وقتی با خاندان اسرائیل بسته خواهد شد که اجساد حضرت
 خلیل در جمع اقطار عالم متفرق و ذلیل باشند چنانکه الیوم
 مشهور است و پس ازین عهد خداوند ایشان را از اقطار عالم

جمع فرماید و نوعی بغزت رساند که بار دیگر از مملکت خود پرانند و نشوند
 و ذلیل طواف نگردد چنانچه در آیه (۳۵) که آخر همین فصل است
 فرموده است و تمامی دره لاشها و خاکستر و بگی هزاره تا بنهر
 قدرون و شرفا تا بگوشه دروازه اسپها از برای خداوند مقدس
 گشته بار دیگر کنده و منهدم ابد نخواهد شد انتی پس چون
 در اوقات ظهور حضرت عیسی بنی اسرائیل در ملک خود ساکن
 و عزیز بودند و تقریباً سی و هشت سال بعد از عیسی امیت المقدس
 توسط طیطوس رومی خراب و ویران و یو مافیو ماخساندان
 اسرائیل از ملک خود متفرق و پراکنده گشتند تا آنکه در زمان
 خلافت عمر ابن الخطاب و غلبه اعراب بکلی از توطن در اراضی
 مقدسه ممنوع شدند و آن ممالک آباد یکسره خراب و ویران
 شد و تا حدود این زمان بر حالت ویرانی و خرابی باقیست
 لهذا این وحی را نیز بر ظهور حضرت عیسی حمل نتوان نمود و این
 عهد را جدید شریعت عیسوی نتوان دانست بلکه چون بیشتر
 آیات کتاب مستطاب توراتیه در سائل انبیا صریح است

براینکه درود نجات بنی اسرائیل و عزت ایشان موقوف بود
 بر شریعتی که بر آن گندگی و خرابی کلی آید چنانکه الحمال واقع
 شده است دویم عزت و آبادی ابری که من بعد هرگز ذلیل
 نشوند بنیاء علی بنی اسرائیل قطع و صریح توان گفت که در کتاب
 خبری از ظهور حضرت عیسی نیست جز یک و در اشاره مجمل دکن
 عقل نخواهد نمود این را که اول باب و یک که نزد دست علم
 کتاب و با جمله چون علمای ملت فنیسم اسرائیل حکم آیات
 سابقه توانست که در نجات اخیری شریعت ایشان
 تجدید خواهد شد و ظاهر احکام توراتیه تغییر خواهد یافت محتاج
 باد که دیگر نیستیم معذالک محض تکمیل بیان معروض میدارم
 که دلیل دیگر بر تغییر شریعت توراتیه اینست که شریعت مقدسه
 که در توراتیه خداوند تشریح فرمود موقوف بود بر وجود ایشان
 مخصوص در زمان مخصوص و اماکن مخصوص و امریکه بر خواننده
 گان توراتیه پوشیده نیست اینست که امر و ابد حکمی از
 احکام مقدسه در توراتیه معمول بنی اسرائیل نیست و تمامی

احکام معموله احکامی است که عاآ و از روی التجار و ناچارای برای
 برای بنی اسرائیل وضع نموده اند پس چون علما توانستند احکام
 توراتیه را تغییر دهند و حال آنکه ابدان مذکور نیستند چگونه است
 که خداوند نتواند تغییر داد و نتواند توسط پیغمبران شریعت را
 تجدید نماید اما مقام سیم بنی اسرائیل است که در کتب مقدسه
 بر این ظهور منبع دارد شده در آن بر دو گونه است قسم اول
 در بشارتهای است که بدون تعیین زمان و وقت ظهور
 دارد شده و این قسم از حد کنجایش این صمیمه بیرونست و با برای
 امام مرام بچند آیه اکتفا خواهیم نمود از جمله در آیه
 دویم از فصل سنی سیم سفر توراتیه منی بچار نظورات معظم
 تا در دویم قیامت و نجات بنی اسرائیل بلکه نجات تمام اهل
 عالم اخبار فرموده است میفرماید خداوند بر آمد از سینا و
 تجلی کرد از سمیر و درخشید از فاران و ظهور خواهد فرمود با
 هزاران هزار مقدس و از میمنتش با ایشان شریعت آتشین
 خواهد رسید انتهی و این آیه مبارک صریحت بر اینکه مانند

آنکه خداوند در سینا از شجره مبارکه طیبه ظاهر شد و شریعت مقدسه تورات را برای نجات از بت پرستی بایشان عنایت فرمود هم چنین در انجام کار که یوم زوال عزت ستمکارانست و غلبه ستم دیده گان با هزار هزار مقدس ظاهر خواهد شد و شریعت جدید آتشین او عالم را از لوث اختلاف و ظلم مظهر خواهد ساخت ولیکن بیان این که ظهور بزرگ در چه مقام و در چه زمان واقع خواهد شد نیز در رسائل انبیا ذکر شده چنانچه بعرض خواهد رسانید و ایضاً در فرمود (۱۲) انذوبور حضرت داود میفرماید از آیه دو آرزوی بعد (۱۲) اما تو ای خداوند بندگان مستقیم هستی ذکر تو پشت به پشت است (۱۳) تو بر خواسته بقیون ترحم خواهی فرمود چونکه زمان مرحمت نمودنت بان بلکه زمان معین رسیده است (۱۴) زیرا که عابدانست از سنگهای آن محظوظند و بندگان بزرگ میجویند تا آنکه طوائف از اسم خداوند تمامی ملوک زمین از جلال تو برسند (۱۵) هنگامیکه خداوند صیون را بنا بیناید در جلال خود ظهور خواهد نمود (۱۶) بدعای شکستگان متوجه

شده است استدعای ایشان را خواهد شنید (۱۸) این از برای نسل آینده نوشته میشود و تا تو میکه آفرین میشوند خداوند را تکمیل نمایند انتهی این آیات صریحت که پس از حضرت داود در زمان آخر ظهور بزرگ با عظم اسما ظاهر خواهد شد و شکستگان و ستم دیدگان را نجات خواهد بخشید و اراضی مقدسه را عبادتگاه مقدسین خواهد فرمود ملاحظه فرمائید که در آیه شانزدهم چه صراحت تعیین میفرماید که هنگامیکه خداوند صیون را بنا بیناید در جلال خود ظهور خواهد فرمود و این معلوم است که مراد ظهور عیسی نیست زیرا که صیون در ایام ظهور آنحضرت آباد بود و پس از آن حضرت بدست رومیان خراب گشت و بعد توسط اعراب و سلاطین و ملوک و آل ایوب و عثمانیان تا حدود این زمان پایمال و ویران شد و درین قرن شریف رومی بآبادی نهاده و محل امید انشمنان عالم شده و نه بس ویر باید که شرافت و آبادی آن مکان مقدس بجای خواهد رسید که مقصد جهانیان و قبله عالمیان گردد و اینها در آیه ششم از فصل نهم کتاب اشعیا میفرماید زیرا که از برای

ماولدی نامیده و برای پاپسری عطا کرده شده است که سلطنت
 بردوش ادخواهد بود و اسم او عجیبست و و اعظ و خدای کبیر و
 والد جاوید و سرور سلامت خوانده خواهد شد و ایضا
 از آیه ششم الی نهم از فصل (۲۵) کتاب اسمیاء میفرماید
 (۶) و خداوند شکر بادین که ضیافتی از پر داریها و میهاینا
 از مشربهای پرورد در مانده یعنی از میمنهات پر مغز و از مشربهای
 مصفی برای تمامی قبائل خواهد نمود و در این که ردپوشی که بر تمامی
 قوما پوشیده است دستری که بر تمامی قبائل کسرتد بر خواهد
 چید (۸) و مرگ را ابدانا بود خواهد کرد و خداوند خدا اشکها را از
 چهره پاک خواهد کرد و ایند و سرزنش قوم خود را از تمامی زمین رفع
 خواهد کرد زیرا که خداوند گفته است (۹) در آن روز گفته میشود
 که اینک خدای ماکه منتظر او بودیم اینست از نجات او سرور و
 شادمانیم این دو مبارک صریح و ظاهر است که در کوه مقدس کعبه
 ظهوری ظاهر خواهد شد و باسم اعظم و پدر آسمانی موسوم و معروف
 خواهد شد و اوجیب عالم را نجات خواهد داد و سرزنش و صدماتی که

بنی اسرائیل بآن در کل قطعات عالم مبتلا هستند از تمام
 زمین رفع خواهد نمود و مرگ را یعنی کفر و شرک و بت پرستی را از جمیع
 عالم محو خواهد نمود و صد مائیکه بر اهل عالم از کثرت اختلاف مذاهب
 دارد است زایل خواهد داشت و ایالی مذاهیب مختلفه را بر حالات
 و خفایای امور و حقایق یکدیگر مطلع خواهد کرد و عدم و لالت این کلمات
 بر ظهور حضرت عیسی نیز روشن و واضح است چه آن حضرت خود را
 ابن خواندند و با بن الله معروف گشتند و سرزنش بنی اسرائیل
 را از عالم نمودند بلکه ظهور عیسی سرزنش و صدمات بر بنی اسرائیل
 زیاده متوجه شد و بلاها بر ایشان منسوب گشت بلی امروز است
 مقصود از این وحی مبارک که در ارض مقدس ساسی نمئی گذرد
 که تمامی ایالی آن حدود از مسلم و یهود و عیسوی و غیر هم بزوان
 احانش میمان نشوند و روزی منقضی نمیشود که در محضر مبارک کش
 با مشرب لطیفه و حانی که چهار تست از وحی آسمانی و بیانات آلهیه
 محفوظ نگردد و بر حسب ظاهر هم از اغذیه لطیفه و اشربیه لذیذ و
 قسمت میسبند امروز است که نداسی ابوت آن وجود

اقدس لسان الواح در کل عالم مرتفع شده و بشارت ظهور
 پدر آسمانی دور و در ملکوت ربانی بنام ملک با نغ کشته و اطلاعات
 قبایل بر عقاید یکدیگر ظهور پیوسته و غمگین بید قومی بساط
 مذاهب مختلفه را از عالم بر خواهد چید و جهانیا نرا بر مذاهب احد
 متفق خواهد فرمود و باین واسطه سرزنش بنی اسرائیل را از
 اقطار عالم قطع و زایل خواهد نمود خلاصه اینها است مختصری
 از بشارت کتاب که محض نمونه و فتح باب برای مشتایح
 بنی اسرائیل عرض شد اگر نخواهم تمام بشارتهای رسایل انبیا
 را که صریح در این ظهور اعظم است فقره بفقره ایراد نمایم هرگز
 این صفحه کتاب بسوطلی خواهد شد و اکنون اقتضای آن نیست
 و این عهد را فراغت تصنیف و تحریر نه و اما بشارتتھای که
 مورخ و معین است در کتاب وارد شده است صریحتر از
 کتاب حضرت دانیال است و اگر چه تمام مکاشفات آن
 حضرت تعیین وقت ظهور اعظم است و لیکن بنده بنگارش
 سه فقره آن اکتفا و اقتصار مینمایم شاید خداوند بر مظلومین غنا و

جلیل حضرت اسرائیل ترحم فرماید و ایشانرا بجات ابدی مفتخر
 و سرفراز گرداند فقره اولی در فصل دویم کتاب حضرت دانیال
 مرقوم است که نبوکدنصر یعنی بخت النصر در سال دویم خوابی دید
 و از آن رویا بسیار شوش شد پس حکما و دانشمندان بابل
 را احضار نمود و تعبیر آن خواب را از ایشان جو یا شد حکمای بابل
 بزبان اُرمی بعض رسا نند که ملک خواب خود را بیان فرماید
 تا ما تعبیر آنرا معروض داریم بخت النصر فرمود حکم اینست که اصل
 خوابی را که من دیده ام یا تعبیرش باید بیان کنید و الا کشته
 خواهید شد چه ظاهر است که اگر من خواب خود را بگویم شما در
 تعبیر کلماتی که خود ساخته اید و بر صحت آن اعتمادی نیست
 جواب خواهم بگفت لکن اگر اصل خواب را خود بیان کنید
 بر علم و دانش شما و ثوق حاصل خواهد شد و در تعبیرش اطمینان
 بدست خواهد آمد معروض داشتند که جز خدای آسمان احدی
 بر این امر قادر نتواند بود و ما بندگان بلکه در روی زمین از عهد
 این کار کسی بر نتواند آمد بخت النصر از این فقره در خشم شد

فرمان داد تا هر چه حکیم و دانشمند در بابل است بقتل رسانند
 در رئیس و در خیمان از بوک نام داشت تمام حکما و دانشمندی که
 در بابل بودند برای کشتن گرفتار نمود چون در آن زمان حضرت
 دانیال در قیافتش از احقاد اسرائیل در عهد حکما می جلیل
 محسوب بودند ایشانرا نیز برای قتل احضار نمودند حضرت دانیال
 از بوک رئیس جلادان مستفسر شد که سبب خشم سلطانی چیست
 از بوک او را از چگونگی حال آگاه ساخت دانیال از دوی مهلت
 خواست تا پادشاه را از آن آگاه سازد و دل او را از تشویش
 بیرون آورد پس چون مهلت یافت بخانه مراجعت فرمود و
 کینیت را بر نقای خود صلیبا و غزریاه ویشائیل که از
 مهندسین قوم اسرائیل بودند اعلام نمود و متنبی شد که در
 صین صلوة و مناجات از درگاه حضرت کاشف الهمات عی
 ظهور مرحمت گردند که مباد ایشان نیز در جمیع کلدانیان هلاک
 شوند پس در رویای مشبانه اصل خواب ملک و تعبیر آن
 بر دانیال مکتوف شد و دل پاکش بر کشف آن راز مهم آمد

پس دانیال بر خواسته خداوند راستایش نمود و زبان تجمید
 و تبریک و تهلیل گوید آرد ایند و بحضور ملک باریافت و پس از
 قیام بلو از من تحت دشنا اظهار فرمود که خداوند خدای آسمان زمین
 این بنده خود را بر کشف رویای ملک تو انا ساخت و دقایقی
 که متعلق باخر الزمان است از این رویا بر ملک اعلام فرمود
 و صورت بیانات حضرت دانیال از آیه (۳۱) تا آخر بیان
 بر اینگونه است که میفرماید (۳۱) و تو ای ملک دیدی
 مثال بزرگی را و این مثال بزرگ که ضیائش افزون
 و نمودارش مهیب بود و در برابر تویی ایستاد (۳۲)
 و این مثال سرش از طلا می نیکو و سینه و بازوهایش از نقره
 و شکم در آنهاش از برنج (۳۳) و ساقهایش از آهن و پایش
 قسمی از آهن و قسمی از گل بود (۳۴) و ملاحظه نمودی که
 سنگی بدون واسطه دستها جدا شده آن مثال بر پاهای آمین
 و کلینش زد و او را سحق نمود (۳۵) آنگاه آهن و گل و
 برنج و نقره و طلا با هم سحق شدند و مثل خرمن گاه باستانی

گر دیده باد آنه را نوعی برداشت که اثری از آنجا
پیدایش و سنگی که مثال رازد کبوه بزرگی مملو شد تمامی
زمین را مملو ساخت (۳۶) خواب همین است و تعبیرش
را در حضور ملک بیان خواهیم کرد (۳۷) تو ای ملک الملک
زیرا که خدای آسمان با تو را ملک و قدرت و قوت و عزت
داده است (۳۸) و در هر جائی که بنی آدم سکونت دارند
چون صحرا و مرغان هوا را برست تو تسلیم نموده است و تو را
بر سنگی آنه مسلط گردانیده است و آن سر طلائوتی
(۳۹) و بعد از تو مملکت دیگری که از تو پست تر است
خواهد برخواست و مملکت سیمین دیگری از برج که بر تمامی
زمین سلطنت خواهد نمود (۴۰) و مملکت چهارمین مثل
آهن سخت خواهد بود زیرا چنانکه آهن هر چیز را سخت و مغلوب
میسازد همین این مملکت نیز همگی را منگنه ساخته سختی و شکسته
خواهد گردانید (۴۱) و چنانکه پایها و انگشتها را دیدی که
قسمی از گل کوزه گری قسمی از آهن بود لهذا آن مملکت تقسیم گردد

خواهد شد اما از سختی آهن قدری در آن خواهد ماند چنانکه آهن را
با گل کوزه گری دیدی که مغز و جست (۴۲) و از آنجا سیکه
نگهستان پایهایش قسمی از آهن و قسمی از گل بود پس آن
مملکت نیز قطعه قومی و قطعه ضعیف خواهد بود (۴۳) و چنانکه
آهن را دیدی با گل کوزه گری مغز و جست است همچنان ایشان
خویشترین را بنسل آدمی مغز و جست خواهند کرد اما هم نخواهد پدید بر
نهی که آهن بگل مغز و جست نمی گردد (۴۴) و در آیام آن ملوک
خدای آسمان مملکتی را که هرگز زایل نشود بر پا خواهد داشت
و این مملکت بقومی دیگر واگذار شده نخواهد شد بلکه تمامی مملکت
را سخت و مغلوب خواهد گردانید و آن ابد برقرار خواهد ماند
(۴۵) چنانکه سنگ را دیدی که بواسطه دستها از کوه جدا
شده آهن و برج و گل و نقره و طلا را سخت نمود لهذا خدای
کبیر ملک را با آنچه بعد از این واقع میشود اعلام نموده است
و خواب متین و تعبیرش صحیح است (۴۶) آنگاه بود که
نصرت یعنی بخت انصاری خود بر اینال سجده نمود و امر فرمود

که بهیجا و بخورهای خوشبوی باد بریزند انتهای و بالجملة چون
 بر صورت این الهام ربانی اطلاع حاصل شد برای کشف مقصود
 لازم است که تشریح از مملکت کلدانیان بابل و جزای آن ارضی
 بیان نمایم تا بر مطالعه کنندگان این صحیفه کار سهل شود و بر
 حقیقت این اعلام استحضار کامل حاصل آید زیرا که این الهام
 را اعلامی است باقیمت عیسوی و فصلای سلسله علییه اسلامی
 از اعلام اطلاع خود هر یک بر ظهور عیسوی و ظهور احمدی حمل نموده
 اند و بافضل است اصل مقصود را بزنجی که با تواریخ صحیحه نواقص
 کند کشف داشته و خواهیم تصریح نمود و صراحت این
 الهام مبارک بر این ظهور عظیم الطیف ابعلی جل ذکره الا منع الاهی
 روشن و آشکار خواهیم ساخت شاید خداوند برحمت و استعنه خود
 بر کل عنایت فرماید و همگی بطریق نجات و سبیل رستگاری
 هدایت نماید بالجملة معروض میداریم که عراق و شهر بابل درین
 عرض بنیایافته بود و واقع است فیما بین دجله و فرات چه
 جزایقین اراضی واقع فیما بین دجله و فرات را بر دو قسمت

نموده اند قسمت شمالی این اراضی را جزیره گویند و قسم جنوبی
 آنرا عراق نامند و عراق محدود است از جانب شمال بحزیره
 و کردستان و از سمت مشرق ببلاد عجم و ایران و از جنوب محدود است
 بنخلج عجم که دیرا بحر فارس نیز گویند و بادیه است و از سمت مغرب
 محدود است ببادیه و این اراضی قدیمالک کلدانیان بود
 و پای تخت این مملکت شهر بابل و از عجایب عالم شمرده میشده
 و هنرفرات از وسط شهر میگذشته و در دو طرف شهر دو
 دریاچه بسیار خوش وضع ساخته بودند تا که درصین طغیان
 آب شهر محفوظ ماند و این شهر مخوف بوده است بجمارات
 عالیه و بساطین تزهه و صد دروازه برج و آژک عالی سلطانی
 و سور و حصار این شهر نوعی بوده که کسی آنرا مصنوع عید انسانی
 نشمردی و فتح آن متصور احدی از ملوک نگشتی خلاصه کلدانیان
 در قدرت پادشاهان ایران قومی گشته و بر ایرانیان و مسرو
 شام استیلا یافتند و از کلدانیان بنو کد نصر یعنی تخت النصر
 بریهویا کین بکب یهود و احاد اسرائیل را با سیری ببابل

آورد و چون او ببرد پسرش بادشاهی یافت در زمان اوسیرد
 که دیرادر تورات گوش خوانده و مرد کبیر و بزرگ است ماموشد و بزرگ
 حد بابل مخر ساخت و ملوک هموار را در تسخیر بابل با خود متفق نمود پس
 که در تورات مخ مرقوم است بابل را مخر ساخت و چون سیروس
 از جهان برفت و سلطنت پسرش گو در ز رسید اهل بابل از
 اطاعت اوسر باز زدند و وی را مجال تسخیر بابل نشد تا آنکه سلطنت
 پادشاه بزرگ داریوس رسید و مجدداً بابل را مخر ساخت
 و پاره شهر را از نصف منهدم کرد و سلطنت بابل در قاتلاده این
 طبقه ماند تا زمان اسکندر یونانی چون اسکندر غالب شد بر آراد
 دولت کا و وسیان الفراض یافت اسکندر بابل را بگرفت
 و خواست تا خرابی بابل را تعمیر نماید و آنرا بزیبائی اول رساند
 لکن بر آن موفق نشد و از جهان برفت و بعد از وی نبوت
 یونانیان در رومانیان بر بابل حمله نمودند و بعد اسکانیان بر آن
 اراضی غلبه یافتند و بابل اندک اندک رو بخرابی نهاد و
 در حدود این زمان عیسی نبوت و مسیحیت قائم شد بالجمله بابل

در حالت خرابی در تصرف اشکانیان بود تا آنکه اردشیر
 بابکان بر ایران غالب شد و اشکانیان را بر انداخت و دولت
 بطبقه ساسانیان رسید و شهر طیسفون که عبارت از مدائن است
 در ارض عراق تختگاه ایرانیان شد و کار بر این پنج بود تا
 آنکه دولت اسلام ظاهر شد و از دولت خلفائے احمدی دولت
 ساسانی و دین زردشتی در عراق الفراض یافت تا حدود
 این زمان آن ممالک در تصرف سلاطین اسلام است
 پس چون بر مراتب دو قایع ارض عراق اطلاع حاصل
 نمودی معروض میدارم که ظاهر شد از وقوع رویای نبوت
 نصرانیت ظهور سیح پنج طبقه از ملوک در ملک کلدانیان یعنی
 عراق اول کلدانیان دوم کا و وسیان که ایشان از فرنگیان
 اشینند و فارسیان اخنی بنشینان نامند که مراد کورش و طایفه
 او باشند سیم یونانیان چهارم رومیان پنجم اشکانیان
 که در زمان ایشان حضرت روح الله ظاهر شد بلی
 در آن زمان رومیان که قیصره باشند بر ایتالیا

و بعضی از ممالک دیگر استیلای کلی داشتند لکن ارض
 کلدانیان که این رویا در آن دیده شد در تصرف ملوک بود
 پس معلوم شد که این رویا یعنی دولت ابدی محمول بر ظهور
 عیسی نتواند شد و نیز تا ظهور اسلام شش طبقه از ملوک بر آن
 ارض استیلا یافتند کلدانیان و کادوسیای یونانیان
 و رومیان و اسکانیان و ساسانیان پس این رویا را
 بر ظهور احمدی حمل نتوان کرد گذشته از این چون
 هیچیک از ظهور عیسی و ظهور احمدی عالم را احاطه نمود
 و جهان را بر مذہب واحد متحد نداشت لهذا این الهام را
 بر این دو ظهور محمول نتوان داشت چه بر کسائیکه انجیل را خوانند
 اند روشن است که حضرت مسیح اتحاد عالم را در ظهور اول
 خود و عدو نفرموده بلکه آنرا بطور ملوکوت الهی و ظهور پدر آسمانی
 محول داشته است و هم چنین حضرت رسول بشارت اتحاد
 عالم را بیوم الله و یوم قیامت و ظهور اعظم منوط فرموده پس
 روشن شد که دولت ابدی که عالم را پر خواهد نمود و ادیان

سابقه را محمود حق و معدوم خواهد ساخت هیچیک از دین عیسوی
 و اسلام نخواهد بود پس چون بر آنچه عرض شد استحضار حاصل
 فرمودی معروض میدارم که مقصود حضرت دایمال از این چهار
 دولت ظهور چهار دین بزرگ است تا در دو یوم الله و یوم قیامت
 و یوم الملکوت که اتحاد عالم و محو ادیان مختلفه در کل کتب آسمانی
 موقوف برود آن بوده و این نکته نزد و اتقان الهامات
 ربانیه روشن است که هر جا در کلمات انبیاء و عدو ظهور سلطنت
 داده شده مراد سلطنت روحانیه که عبارت از دین الله است
 بوده با کلمه اول دینی که در وقوع این رویا بر اهل عراق غالب
 بوده مذہب کلدانیان بوده و شریعت ایشان معتبر بود از عبادت
 اوتان که صورت سلاطین و انبیای ایشان بوده احکام تواریخ
 این دین از کتب مؤرخین معلوم است و این دین بر اراضی
 عراق غالب بود تا اینکه یونانیان و رومیان بر عراق استیلا
 یافتند در آن اوان دین صابین یعنی پرستش کواکب
 بر ارض عراق جاری گشت و این سلطنت دوم است که

دانیال از آن اخبار فرموده و احکام و قواعد این دین کتب
مل و نخل شمرستانی و دبتان المذاهب مضبوط و مذکور است
سیم دین زردشتی بود که در غلبه ساسانیان بر عراق و ایران
جاری شد و زردشتیان هنوز در ایران و هندوستان
باقی هستند قواعد و نشان بر اهل عالم واضحست سلطنت چهارم
دین اسلام است که بعد از انقضای ساسانیان بر عراق
و ایران و اکثر ممالک آسیا و افریقا غلبه یافت و در
مثل بصلابت و سختی آهن بود و بسیار از ادیان و ممالک
را محو نمود و این سلطنت بدو قسم منقسم شده قسمی اهل سنت
و جماعتند که تاوردیوم اند بصلابت و اقتدار اصلیه
باقی بودند و قسم دوم شیعه اند که از اهل تسنن قلیل تر و
ضعیف تر اند و در زمان این دولت یعنی اسلام دولت ابدی
ظاهر شد و صبح یوم آبی بدید و نیز وجود پدر آسمانی از اراضی
مقدس ظاهر شد و زود است که بشارتهای کتب مقدسه
کل بظهور برسد و مراتب اتحاد و تربیت اهل عالم تمامی کرده ارض

را جنت واحد گرداند فقره شانیه از بشارتهای کتب که بتاریخ
ایام ظهور ^{عظم} دارد شده در فصل هشتم کتاب حضرت
دانیال میفرماید در سال بالتقریب پادشاه بابل رویای برین
مکتوف شد و خلاصه آن رویا اینست که در قصر شوشان
که در کشور عیلام است مشاهده نمودم که نزد منرا ولایم نکر ایستم
نزد این دولت یعنی اسلام دولت ابدی ظاهر شد و صبح
یوم آبی و یکی نزد من قونج بزرگی ایستاده بود که وی را دو
شاخ بلند بود و یکی از دیگری بلند تر بود و آن قونج بمشرق و
مغرب و شمال و جنوب حمله می نمود و پرنج جوانی قدرت نداشت
که با وی مقاومت نماید و باین جهت آن قونج بد بخواد خود
هر چه میخواست معمول میداشت و در حالی که متنگار بودم دیدم
بزرگی را که از جانب مغرب درین هوی می آید و دیر شاخ
خوش منظری در میان جبهه اش بود و بر آن قونج حمله نمود و چون
رها شده نداشت شاخهای او را بشکست و دیر پانمال نمود
و آن بزرگ بسیار بزرگ شد و در آن حین شاخ بزرگش شکست

و در جای آن چهار شاخ دیگر رست بجانب چهار باد آسمانی
 و از یکی از آنها شاخ کوچک خوش منظری برآمد که به سمت
 جنوب و مشرق دارض زیبای بزرگ و قوی شد حتی به لشکر
 آسمانها بزرگ شده بعضی از آن لشکر دستاره بار بر زمین
 انداخته و آنها را پائمال نمود و هم تابسر و لشکر بزرگ شد که
 بواسطه او قربانی دائمی رنج شد پس در آیه (۱۳) میفرماید و تقدس
 متکلمی میسرید که رویای قربانی دائمی و عصیان خراب کنند
 تا بچند میرسد و مقام مقدس و لشکر پائمال تسلیم کرده خواهد شد
 و بن گفت که بدو هزار و سیصد شبانه روز آنگاه مقام مقدس
 مصفی خواهد شد انتهی و اگر چه حضرت دانیال در همین فصل
 خود ترجمه این مکاشفه را فرموده است مع ذلک این عبد
 برای فرید بصیرت طالبان هدایت معروض میدارم که معلوم
 شود مرد آزان قورج بزرگ سلاطین ایرانند که ایشان را
 مورخان گادوسیان و آخی نیان نامند مولد ایشان
 اردوکان فارس و تختگاه ایشان مداین بوده و چنانچه در فقره

اولی نیز عرض شد اولین این طبقه سیروس است که ویرا
 در تورات کورش و فارسین کینسر و بزرگ
 نامیده اند و تقریباً کورش پانصد و چهل سال قبل از تاریخ
 مسیحی تولد یافت و وی معاصر عزرای کاهن بود و این
 پادشاه کلدانیان را برانداخت و برای ایران و بابل و
 مداین دارضی مقدسه غالب آمد و او نخستین شاخ بزرگ
 این دولت بود که حضرت دانیال در رویا مشاهده فرمود
 پس از سیروس پسرش کوروز هفت سال پادشاهی نمود
 چون او نیز از جهان برفت از این طبقه داریوس پسر
 بیتاسب پادشاهی یافت و سخت بزرگ و نامور شد
 و از هندوستان تا یونان را بگرفت و او شاخ دوم این
 دولت است که در رویا و اینیال مشهود یافت و در نژاد
 این طبقه پادشاهی بماند تا آنکه دولت یونان روی تبری
 نهاد و آن بود بزرگ قوی که در رویا بان تصریح شده و از این
 طبقات یونانیان اسکندر پسر قلیب نامور شد و برای ایران

ناخت و دارای کوچک را به شکست و دولت کا و دیان
 را منقرض ساخت و بر ایران و هندوستان غالب شد و
 او شایخ خویش منظریت که دانیال فرموده است که در جیب
 آن بزرگشاهه نمودم و چون اسکندر بمرد در مالک متصرفی
 دی چهار طبقه از ملوک سلطنت نمودند یونانیان در دانیان
 و اسکانیان و ساسانیان و پس از انقراض ساسانیان در
 مالک ایشان سلاطین اسلام پادشاهی یافتند که بسیاری
 از زهاد و مقدسین را که نجوم سماردین آبی بودند کشته و
 بر زمین بختند و توسط ایشان قربانی دائمی بنی اسرائیل
 رفع شد و صدقات کثیره بر ایشان متوجه گشت و اراضی مقدسه
 پائمال قبائل شد و با جمله چون بحقیقت این مکاسفه استخراج
 حاصل شد بقانونی که در آیه (۳۴) از فصل (۱۴) سحر
 اعدا و از کتاب توراتیه و آیه (۶) از فصل (۱۵) کتاب
 خزقیل تصریح شده که در وحی الهی هر یک روز یکسال
 حساب کنند و علمای موسوی این فقره را بر زبان

عبری یوم شانا گویند یعنی یک یوم یکشنبه بر این اصطلاح
 آغاز و انجام رویای حضرت دانیال دو هزار و سیصد سال
 خواهد بود یعنی بحکم این وحی مبارک چون دو هزار و سیصد
 سال از زمان حضرت دانیال بگذرد باید جمیع وقایع مذکوره
 از غلبه ایرانیان و بعد غلبه یونانیان و خرابی اراضی مقدسه
 تماماً منقضی شود و اراضی مقدسه بعد از انقضای مدته مسطوره
 بظهور **عظم مصطفی** گردد و ذلت قوم مقدس بانجام رسد و
 این فقره نزد علمای موسوی روشن و مسلم است که از خرابی اورشلیم
 بدست بخت النصر تا این زمان (هزار و سیصد و هجری) و هزار
 و سیصد و هجده سال گذشته است و بر حسب شهادت
 تواریخ هم از زمان دانیال تا تولد مسیح تقریباً چهار صد و سی سال
 بوده و از تولد مسیح هم الی ظهور حضرت **جهاد الله** در عکا
 تقریباً هزار و هشتصد و هشتاد و هشت سال است و این
 جمله دو هزار و سیصد و هجده سال میشود پس بر کسانیکه
 بصحت کتاب مقدسه موقنند لازم است که بحکم این وحی

مبارک بر وقوع ظهور عظیم مصطفی شدن اراضی مقدسه
 معتقد گردند یا آنکه العیاذ بالله این وحی مبارک را نفی و کذب
 شمارند و هر این نزد خردمندان روشن است که باین ظهور کریم
 اراضی مقدسه مصطفی شد و کوه مقدس کرمل مقصد قبایل گشت
 و دعدۀ آبی باین وحی مبارک بنظور پیوست (فقره ثالثه
 در فصل (۱۰) و (۱۱) و (۱۲) کتاب حضرت داینال
 نبوت بزرگیت که در آن اکثر وقایع کلیه که بعد از حضرت
 داینال وقوع یافت اعلام شده از غلبه سلاطین و القراض
 دول و ظهور ادیان و خرابی اراضی مقدسه و ظهور عظیم و نجات
 بنی اسرائیل بلکه تمام اهل عالم تا اینکه در فصل (۱۲) میفرماید
 در الوقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت
 قائمت خواهد ایستاد و زمان تنگنالی که از بودن طوائف
 تا آن زمان نبوده است واقع خواهد شد و در آن زمان قوم
 تو یا کسی که در کتاب اسم کتب است اهل نجات خواهد بود و نجات
 خواهد یافت (۲) و از خوابیدگان در خاک زمین بسیاری

بیدار خواهند شد بعضی بجهت حیات ابدی و بعضی جهت شماری
 و حیات ابدی و دانشمندان مثل ضیائی سپهر و کاسینکه
 بسیار بر ابراهیم صداقت رهبری نمایند مانند کواکب
 تا ابد الابد در خشان خواهند بود (۴) اما تو ای داینال کلمات
 مخفی کن و کتاب را تا بزمان انجام کار مضموم ساز صحنی که بسیاری
 گردش کرده علم زیاده کرده (۵) انگاه من که داینال مضموم نکرسیم
 داینک دو شخص دیگر یکی با این طرف نبرد دیگری با طرف هنر
 ایستاده بودند (۶) یکی مرد ملتبس شده بکمان سفید که
 بالای آبهای نهر ایستاده بود گفت انجام این عجایبات
 تا بچند میکشد (۷) و آن مرد ملتبس شده بکمان را که بالای
 آبهای نهر ایستاده بودند شنیدم در حالتیکه دست راست دست
 چپ خود را بسوی آسمان بلند کرده بخی ابدی سوگند یاد نمود
 که برائے یکرمان و زمان و نیم زمان خواهد کشید و بعضی تمام
 شدن پراگندگی قوم مقدس بگی این حوادث با انجام خواهد بود
 (۸) و من شنیدم و درک نکردم و گفتم ای آقای من آخر

این حوادث چگونه خواهد شد (۹) فرمود که ای دایان راه
 خود پیش گیر زیرا که این کلمات تا زمان آخرین منی و منون
 (۱۰) بسیاری پاک و سفید و قال گذشته خواهند شد و اینکه
 شیرینان شیرینان رفتار خواهند نمود انداز اسپیک
 از شیرینان درک نخواهند نمود اما دشمنان و وزیرکان
 نعم خواهند کرد (۱۱) و زمان رفع شدن قربانی دائمی و نصب
 شدن مکروهات و خرابی یکبار و دو است و نود روز خواهد بود
 (۱۲) خوشحال کسیکه انتظار کشیده بر روزهای یکبار و سعید
 و سی پنج برسد (۱۳) اما تو با انجام کار راه خود پیش گیر زیرا که با شتر
 گذران نموده و در انجام آن روزها بنصب خود خواهی ایستاد
 انتی این وحی مبارک نیز صریح است بر اینکه بعد از پرانگند
 گی بنی اسرائیل که از احکام موکده تورات است و خرابی اراضی
 مقدسه در رفع شدن قربانی دائمی بنی اسرائیل چون هزار و دویست
 و نود سال بگذرد و در اعظم بامر الله قیام خواهد نمود و بکلمه او
 حشر کبری واقع و بلند خواهد شد و خنکان قبور غفلت و

نادانیز که عبارتست از ادیان تقلیدی اکثری از ندای الهی
 بیدار خواهند گشت و بعضی با قبائل و ایام باد و ارضی عزت
 ابدی و حیات جاودانی خواهند شد و برخی بسبب دوا عمر من
 بشر سازی و حقارت ابدی که کفر و ضلالت است خواهند
 رسید و این امور در وقتی واقع شود که مردم و اهالی بلاد روی
 ترقی یابند و برای کسب هنر بگردش در آیند و علوم و معارف
 بسیار گردد و هنر و صنایع بدرجه کمال بالغ شود و این نکته
 روشن و واضح است که چون از ظهور احمدی که بطورش قربانی
 دائمی بنی اسرائیل برداشته شد و صدقات و مکروهات
 در اقطار عالم بر او منصوب گشت هزار و دویست و نود سال
 گذشت و چون حضرت بجا برانند اراضی مقدسه
 بر امر الله قیام فرمودند و ندای ظهور مبارکش در اقطار عالم
 مرتفع گشت و این امر مبارک در این قرن شریف اتفاق
 افتاد اکثر ملل روی ترقی بخانه اند و در کسب علوم و
 تکمیل صنایع ساعی گشته اند و تکمیل علوم و از دیاد معارف

و ظهور صنایع و میل ملل بترتیب و ترقی در این قرن عزیز بر هر کس
 ظاهر و ثابت است و محتاج بشرح و بیان نیست و اگر بعضی
 علمای موسوی یا عیسوی که از درجه الصفات خارجند بخواهند
 بهم خوردن قربانی دائمی و نصب شدائد و مکروهات بر بنی اسرائیل
 از ظهور حضرت عیسی و غلبه طیطوس رومی بر ادرشلیم شمارند
 هر آینه ملزم با بطلال این وحی مبارک خواهند شد و بایه لغو بودن
 این الهام ربانی خواهند گشت چه ظاهر است که بعد از هزار و
 دوست و نود سال از ظهور مسیح که تقریباً پانصد سال پیش
 باشد چنین امر بزرگی واقع نشد و سردر بزرگی که
 بکلمه او حشر کبری واقع شود و اراضی مقدسه بظهورش
 مصطفی و منور گردد و ظهور نمود پس ثابت است که مبدع تاریخ دنیای
 ظهور احمدیست که بظهورش یوم ذلت بنی اسرائیل فرا رسید و
 چون بکام نینته نانی عمر ابن الخطاب اورشلیم مفتوح شد و اهل
 کتاب از اراضی مقدسه اخراج شدند قربانی دائمی بنی
 اسرائیل رفع شد و اجارات پیغمبران بنی اسرائیل بوقوع

پیوست خلاصه اینهاست مختصری از بشارت های کتب مقدسه
 بر این ظهور غریز کریم و این عبد محض خدمت بعالم انسانیت و
 رعایت لوازم محبت و دینیت با موانع کثیره از مراقبت خصم
 قوی و عدم اسباب بنگارش آن اقدام نمود تا دیگر جهت
 ابنای جنس چکند و جزای اعمال هر کسی را بکلام سوگشاند و
 با بجمله در انجام سخن و ختم کلام معروض میدارم که زنه بشارتیکه
 در تورات و بیخات خود خوانده اید و من بنده بر بنی اسرائیل گاشتم
 شمار ابجکان نیستند از ده که هر کسی با اسم بنی اسرائیل موسوم است
 بیخات خواهد یافت و مغرور نشوید که هر کسی از حضرت ابراهیم و ادرث
 عزت ابدی خواهد شد بلکه کلام صدق و نصیحت خالص اینست که
 تفحص کنندگان از خداوند بیخات خواهند یافت و ایمان
 آورندگان بظهور که نامشان در صحیفه الهیه است و ادرث
 عزت ابدی خواهند گشت ملاحظه این وحی آخر کتاب دنیای
 فرمایند و در آن نیکو فکر فرمایید که خداوند تعالی شان را
 در آیه اول همین فصل فرموده است و در آن زمان قوم تو

هر کسی نامش در کتاب مکتوبست نجات خواهد یافت و نیز
 در آیه هفتم از فصل چهل و سیم کتاب اشعیا بعد از وعده نجات
 و عزت ابدی بنی اسرائیل فرموده است که ای اسرائیل متوسل
 فدیة ترا از شرق و مغرب شمال و جنوب جمع خواهیم نمود و از ضی
 مقدره مصر و حبش را بایشان خواهیم داد یعنی هر کسی که باسم خوانده
 میشود برای عظمت خود او را آفریدیم پس از این دو کلام آبی
 بنذیرید و روز نجات خود را از دست ندهید و به یقین بدانید
 که هر کسی که خداوند را نسیح نمود و بطور سرور بزرگ بیکائیل
 ایمان بناورد نام او در صفت حمراز قلم اعلی ثبت خواهد گشت و
 وارث عزت ابدی خواهد شد امید چنانست که کل از نسیح خاص
 مشبه گردند. و این یوم عزیز را که بعضی در آن رستگار
 و برخی شرمسار خواهند شد بقلبت نه گذرانند.

والله يقول الحق و هو العزیز

الله هو العلی العزیز

بجیل

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد الله على نعمه والآله والصلاة على وسائط فضله وعباده
 وحيه ومظاهر اجلاله وبعد معروض مييدارد که جمیع کتب سناویه
 و صحف آئینیه بر این نکته ناطق و بر این دقیقه متفق است که
 آخر وقتی توسط بزرگی از بزرگان دین و طلوع نیتری از افق
 امر حضرت رب العالمین اختلافات عالم با اتفاق و ایتملاف
 تبدیل میشود و مذاهب مختلفه و مشارب متفاوته که موجب خرابی
 عالم و گرفتاری اتم گشته بمنزله مشرب واحد راجع
 کرد و این مسئله از غایت وضوح محتاج نیست که بذکر
 ادله و ایتمان عبارات کتب سناویه مبادرت رود البته
 بنظر انور رسیده است و در میان امت اسلام معرفت

که در آیام ظهور حضرت حجت صلوات الله و سلمه علیه اهل عالم
از مشرق تا مغرب بر کله واحد ایمانیه متحرک و متفق خواهند شد
و ادیان مختلفه عتیقه از تمام جهان محو و زایل خواهند گشت و
یوم ظهور این نیر اعظم در کتب آسمانی بوم الله و یوم القیمه و
یوم الجزاء و یوم الحشر و ساعت و امثالها نامیده اند چه این
یوم یومی است عظیم و روزی است مهیب که جمیع عالم تظلم
شود و تمام اشیاء لباس جدید بدلیع پوشد و خبثت از
طیب ممتاز گردد و دوسموات ادیان فرو چیده شود و ذهاب
مختلفه بدیانت واحده راجع آید و علوم و معارف حتی حرمت
و صنایع روی بترقی نهند و جنک و جدال با مرغنی متعال از
عالم برافند بلکه آلات حربیه با دوات کسبیه مبدل گردد اینست
بعضی آثار این یوم عظیم که از قلم حضرت علیم حکیم در صحف الواح
سمت ترقیم یافته و بشارت تمام ادیان و مذاهب بالغ شده
و چون اتحاد عالم و اتفاق امم و بزرگیکل وجود از مرض مبرم
اختلاف و تزیسین شخیص عالم مشهور و بزینت مبارک اتحاد

و ایتمالات موقوف باین روز عظیم و ظهور کریم بوده لذا حضرت
احدیت جل ذکره بشارت آنرا مودرخ و مصرح در جمیع کتابهای
آسمانی نازل فرموده و عهد این روز فیروز را بلسان انبیاء
مرسلین در نهایت وضوح و تصریح مأخوذ داشته و اکثر
نفسی وضوح و تصریح آسمانی هرمت از تورات و انجیل
و فرقان و کتب انبیای عجم مانند اوستاد و دساتیر و زند
و غیرها را ملاحظه نماید خواهد یافت که پس از ذکر حدود احکام
در کتب مذکوره خبر ذکر قیامت و بشارت نام بظهور و ذی عظیم
باسم قائمیت و یومیت چیزی دارد گذشته و اکثر آیات کتب
در وصف این یوم عظیم و علامات آن نازل شده و اما قرآن
مجید و فرقان حمید در سوره مبارکه سجده میفرماید یا مدبر الامر
من السماء الی الارض ثم یرج الیه فی یوم کان مقداره الف
سنه مما تعدون یعنی تدبیر میفرماید امر را از آسمان زمین
پس آید و راجع خواهد شد بسوی او در یک روز که مقدار آن
روز هزار سال است از شماره شما و خلاصه مقصود آنست که

خداوند جل ذکرة نازل میفرماید امروزین زمین را از آسمان
بر زمین و باز بسوی او راجع خواهد شد و انوار دیانت از
ارض بسا عروج خواهد نمود در یک روز که مقدار آن هزار
سال است از شماره فیما بین خلق چنانچه بر حسب آیه مبارکه
انوار دین مبین و فروع شریعت حضرت سید المرسلین در
مدت دو سئ و شصت سال بوحی جناب خاتم النبیین و
الهامات امّ الشّاهین صلوات الله و سلامه علیهم
اجمعین از آسمان بر زمین نازل شده چون نعمت
دیانت که افضل نعم الهی است در مدت مذکوره بر خلق کمال
یافت ایام غیبت کبری فرا رسید شمس ولایت
از جهان غارب شد اندک اندک انوار علم و معرفت مینا
شرع و دیانت مرتفع گشت و ظلمت جهل و عیادت و
تاریکی اختلاف و تفرقه امت اسلام را فرد گرفت و اگر کسی
در کتب عالم بدقت ملاحظه کند و تواریخ اسلاف و حالات
گذشته را بنظر دقیق بنگرد و امتیاز قرون اولی را از

نور و خورشید علم را و قدم حکما و اکتا بر عرفا و شعرا نماید و در صحیح
عالمی مقدار و بلغای و الا افتخار از قرون اخیره ظاهر و آشکار
خواهد یافت و بدون اغراق تریزین آسمان دین حضرت
خاتم النبیین را در ششصد سال تحت چندان اختر
هنر و تیردانش هویدا شد که خیره ماند در آن جویده الوا
الابصار هنوز آثار اقسام گوهر بارشان روشنی بخش جهان است
و مصنفاتشان مقبول حکمای آسیا و فرنگستان و این فقیه
نزد دانشمندان روشن و مسلم است که کمالات و علوم از ملت
فیمنه اسلام بسیجیان منتقل گشته و ممالک اروپا از فروغ
ملت بیضا منور شد چنانچه نیلسون فذک امریکائی در کتاب
مرآت الارضتیه که بلغت عربی فصیح در فن جغرافی تصنیف
نموده در ترجمه اسپه پانیا بر این معنی اعتراف کرده است
که علوم و فنون از اسلاف علمای اسلام بعیسویان بالغ
و از عربستان باروپا داخل گشت و بعکس در ششصد
سال دوم نوعی انوار علوم و آثار فنون از اهل اسلام برداشته

شده که کتب مصنفه ایشان مضحکه ملل خارج گشته و عبادت
 و جهالتشان مسلم سایر ادیان شده و همانا در فهم این دقیقه
 این نکته کافی است که معلمین و مبشرین عیسوی از ممالک
 اروپا و امریکا بجمع بلاد اسلام داخل شده و در هر شهر و در هر ملک
 در مقام تربیت و تعلیم و دعوت این ملت بر آمده اند فاعترفا
 یا اولی الأبصار و با جمله چون هزار سال از غیبت گذشت
 و ظلمت جهل و نادانی عالم را فرو گرفت و اختلافات فریق
 عید و منجبه از اسلام آفاق دین بسین را تا ریک نمود چنانچه
 سید البشر طایفه صلوات الله الملك الاکبر اخبار فرموده از اسلام
 جز آسمی باقی نماند در ۱۲۶۰ آفتاب حقیقت از مغرب سیادت
 طالع شد و غضنی بر و مند از دوحه طلیبه طلویه بر و سید روح
 علم و ربوبیت بر او بیار مید کلمه نامه آیهت با سم قائمیت
 در سن بیست و پنج سالگی در ارض فارس ظاهر شد مدت هفت
 سال که زمان دعوت آنحضرت بود آیات منزله از قلم
 مبارکش عالم را احاطه نمود و انوار وجه منیرش بکلم آیه کریمه

۱۲۶۰

۲۵

و اشرفت الارض بنور ربها آفا قران نور فرمود و وعده
 آیهت در آیه مبارکه فرقا نیست ظهور یافت یتمیز بعبیث
 من لطیب و یفصل بین النور و الظلمة بامر المبرم المتین بر
 وفق آیه مبارکه سابقه در مقام دیگر فرموده و یستجوا نکت بالعباد
 ولن یخلف الله وعده وان یومعند ربک کالغ سخته
 مما تعدون خلاصه مقصود از این آیه مبارکه اینست که شتاب
 مینمایند کفار از رسول مختار در نزول عذاب و خداوند وعده
 که فرموده تخلف نخواهد فرمود هر آینه یکروز نزد خداوند هزار
 سال از شماره این جهانست یعنی نزول و ظهور عتاب خداوند
 ستمکاران عزت و غلبه ستم دیده کان در کتب سماویه
 و صحف آیهت بیوم قیامت وعده داده شده و خداوند جل
 ذکراه از وعده خود تخلف نخواهد فرمود و هر آینه تا یوم قیامت
 یک روز آسمی که شماره اهل این جهان هزار سال است باقی
 مانده اینست مختصری از اشارات قرآن در ظهور یوم جزا و
 وعده تائمه کبری قوله تعالی انهم یرونه بعیداً و نزایه قریباً و

احادیث مأثوره و اخبار مرویه از اهل بیت طهارت و مخازن
 علم و حکمت موافق آنچه عرض شد بسیار است و اسلاف
 علماء رضوان الله علیهم در کتب خود روایت فرموده اند و از
 متأخرین مجلسی سقیه الله کاس النعمان من ید عطاءیه در جلد
 غیبت بحار الانوار ثبت فرموده و از جمله این اخبار را
 ثواب است که چون از غیبت قائم هزار سال بگذرد و ظهور خواهد
 فرمود و آفاق مظلمه عالم بفرود غ و جبهه منیر روشن دمتور خواهد بست
 و اخبار داله بر این معنی که غیبت حضرت زیاده از هزار سال
 امتداد نخواهد یافت بسیار است از جمله در کتاب صافی
 در تفسیر کلمه آلم از سوره بقره فرموده است و من الحدیث مارواه
 العیاشی عن ابی بسید الخردمی قال قال ابو جعفر علیه السلام
 یا ابابسید ان یملک من ولد العباس اثنی عشر قفیل بعد الثامن
 منهم اربعة ینصیب احدیهم الذبحه فذبحه هم فتمه قیصره اعماخه شیبه
 سیرتم منهم الفریق الملقب بالمدی و الناطق و النادی یا ابالبید
 ان لی فی حروف القرآن المعطه تعلمها جماعان الله تعالی انزل آلم

ذلک الکتاب فقام محمد حتی ظهر نوره و ثبتت کلمه و ولد یوم
 ولد و قد مضی من الالف السابج مائة سنة و ثلاث سنین
 ثم قال و تبیان فی کتاب الله فی الحروف المقطعة اذا عذت بها
 من غیر تکرار و لیس من الحروف المقطعة حرف تنفسی ایامه
 الا و قائم من بنی هاشم عند الفصحاء ثم قال الالف واحد
 الالف ثمانون و الیم اربعون و الصاد تسعون فذلک مائة
 واحد و ستون ثم کان بره خروج الحسین ابن علی علیه السلام
 آلم الله لاله فلما بلغت مده قام قائم ولد العباس عند المص و
 یقوم قائمنا عند القضاها بالمرافا فغم ذلک و عدد اکتبه
 خلاصه ترجمه حدیث شریف اینست که عیاشی از ابی البید
 مخزومی روایت نمود که ابو جعفر علیه السلام فرمود یا ابالبید
 هر آینه مالک ملک خواهد گشت از بنی عباس دو ازده نفر
 دپس از هشتین ایشان کشته میشود چهار نفر که یکی
 از ایشانرا ذبحه دو چار خواهد بست آمان کرد هیچ مستند
 کوتاه عمر زشت سیرت یکی از ایشان آن فاسق کوسنده

گمراه است که لقب است بجای یا ابابسیدمرا در
حروف مقطعه قرآن علم بسیار است خداوند نازل فرمود
الم ذلک الکتاب را پس قیام فرمود بر امر الله محمد صلی الله
علیه واله وسلم تا آنکه نور او آشکار شد و کلمه او ثابت
و استوار گشت تولد یافت آن حضرت در یوم تولد او
گذشته بود از هزاره هفتم یک صد و سه سال یعنی از مینویط
حضرت ابوالبشر شش هزار و صد و سه سال گذشته بود
که وجود مبارک نبوی در جهان تولد یافت پس سر بود
تبیان این نکته در حروف مقطعه قرآن است که نکذرد
حرفی که آنکه قاعی از بنی هاشم نزد انقضاء آن قیام خواهد
نمود یعنی هر یک از حروف مقطعه او ایل سور فرغانی تاریخی
است از برای قیام یکی از بنی هاشم در دوره اسلام
پس فرمود الف یکی است دلام سی و میم چهل و صاد نود
پس این جمله یکصد و شصت و یک عدد است و بالجمله
واقع شد خروج حسین ابن علی نزد آلم الله لاکه و چون

این حدیث بالغ شد قیام نمود قائم آل عباس یعنی عبد الله
سفاح با هر خلافت نزد المص و قیام خواهد فرمود قائم ما
نزد بلوغ و انقضای اعداد مذکور و بالمرأ پس در باب
این نکته بشمار و پنهان دار آنها بروفق آیه شریف چون
مدت هفتاد و یک سال از بعثت رسول اکرم بگذشت
حضرت سید الشهدا آراف التیمة و البها و برام قیام فرمود
و چون صد و چهل و دو سال از بعثت سید رسل بگذشت
خلافت آل عباس منتهی شد و چون بروفق فرمان
حضرت ابوجعفر حروف مقطعه او ایل سوره تا بالمرأ بشماریم
یک هزار و دو سیست و شصت و هفت میشود این مطابق
مایوم طلوع نیر اعظم است از ارض فارس زیرا حروف
مقطعه او ایل قرآن تا الم را نیست البقرالم العران افر

اعراف المص	یونس الم	هود الم	یوسف الم
۴۱	۴۱	۴۱	۱۶۱

الرا	الرا	الرا	الرا
۲۳۱	۲۳۱	۲۳۱	۲۴۱

اینست مختصری از آنچه که در کتاب مجید و احادیث مرویه از آنست طاهرین علیهم بهاء الله مالک یوم الدین در تعیین وقت ظهور بصراحت و اشارت وارد شده و حسب الامر در این درقه عرض و از جهت ضیق وقت و کثرت اشتغال باین مقدار اقتصار رفت و چنانچه موالح نمی بود اجازت هر یک در تعیین وقت ظهور بتمامها مرقوم میشود هر آینه این مختصر کتبی بسوطله و این صحیفه مصحفی نشوره کشتی و لکن لا یقطنها الا العالمون و اما تورات خداوند جل ذکره در کتاب مقدس خود اجازت از نجات عالم در روز یوم اعظم فرموده یعنی در فصل سی و سیم از سفر تورات متنی باین عبارت از چهار ظهور منظم که اشراط قیامت در شرایط نجات خلقت اخبار فرموده است میفرماید خداوند بر آمد از سینا و تجلی فرمود از سیعیر و در خشید از فاران و ظهور فرمود

بانه اران هزار مقدس از زمینش شریعت آتشین بایشان رسید انتهى در مقصود از آیه مبارکه اینست که خداوند از سینا بر آمد و در شجره مبارکه موسویه خلق را از تاریکی جهل نادانی بر روشنی ایمان و دانش هدایت فرمود از سیعیر تجلی کرد و بتایبات روح القدس عیسوی جهان را زنده نمود از فاران بد خشید و از انوار دجه احمدی عالم را منور ساخت و ظاهر کرد و با هزاران هزار مقدس تا عالم اتمام نجات بخشید و جهان را از مشرق تا مغرب بهشتی زخنده فرماید همین آیه مبارکه توراتست که خداوند در قرآن مجید از آن اخبار فرموده است و از سوره ابراهیم بقوله الحق و لقد ارسلنا موسیٰ بآیاتنا ان اخرج قومک من الظلمات الی النور و ذکریم بآیام الله ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکر یعنی هر آینه موسی را فرستادیم بکتاب خود که تو خود را از تاریکی بجانب نور هدایت بیرون آر و خواطر نشان ایشان کن بآدم آیم الله زیرا که در آن روز آیات

برای هر صبر کننده در بلا یا دشگر کننده بر هدایت خواهد بود و
 بعینه بر پنج مذکوره در تورات اخبار از ظهور الله
 و یوم الله است چنانچه در کتاب یهودای عواری از قول
 ادیس علیه السلام وارد شده میفرماید و اخنوخ پشت
 هفتم آدم از آن اخبار فرموده گفت که اینک خداوند می آید
 با هزاران هزار مقدس تا بر همه حکم نماید و بی دنیا را بر بی دینی
 ایشان الزام دهد انتهی و علمای اسلام آیه مذکوره
 در تورات را سه فقره آدلار آنرا بر ظهور موسی و ظهور عیسی
 و ظهور احمدی تفسیر نموده اند پس معلوم میشود که فقره چهارم
 که از همه صریحتر است بشارت ظهور بهسانی خواهد
 بود و الله علی کل شیء شهید و اگر کسی در تمام کتاب مستطاب
 تورات و کتب انبیا ربی اسرائیل مانند اشعیا و ذکریاد
 دانیال و هوشع و حزقیل امثالم سیر نماید و بوقت ملاحظه
 کند پس از ذکر احکام و حدود جز این نخواهد یافت که سلطنت
 یهود منقرض و منقضی شود و بنی اسرائیل از مشرق تا مغرب

عالم پراکنده کردند و بیلاهای سمنک بتلا شوند و در پنج
 ملک جای امن نیابند و هیچ وسیله آسایش نجویند و
 شهرهای ایشان خراب و ویران گردد و ارضی مقدسه
 در ازمنه متادیه پائمال قبایل شود تا آنکه بزرگی با اسم ربوبیت
 و الوهیت در کوه مقدس کر بل ظاهر گردد و ارض صیتون
 جمال اقدس ابھی را محل ظهور اعلی آید و جمیع عالم را از کفر و ضلالت
 و اختلاف و تفرقه نجات بخشد آن هنگام بنی اسرائیل
 نیز نجات خواهد یافت و داریت ارض مقدسه و دارای
 عزت ابدیه خواهند شد اینست که ملاحظه می رود بنی
 اسرائیل که فزون از هزار و هشتصد سال است بظهور
 احمدی نکر ویدند و در بلاهای شدید متوالیه تحمل و صطبار
 زیند و دین خود را از دست ندادند امر و روز که هنوز بفضله
 و حسن الطافه نیر عظم از انقی عالم مشرقت در اکثر بلاد از
 خراسان و طهران و کاشان و همدان و کرمانشاهان
 و کردستان و سایر ممالک از ارضی مقدسه و عراق

عرب و غیرها در کمال اشتعال کثر پیود بامر حضرت عیسی متعال
 شرف بوده و اقبال نموده و دعوت او را پذیرفته اند
 و از جذب بیانات الهی بنظور دین عیسوی نیز موفق شده
 و تبلیغ و بشارت سائر ملل اقدام نموده اند آنه لیتی اسحق
 بکلماته و یقطع دابر الکانین و اینگونه اقبال با خطر جان و
 مال نتوان بود جز آنکه خبر ظهور او را در کتب خود بصراحت
 یافته اند و محبت او را بر سائر ملل قوی و غالب دیده اند
 و ما بعد الحی الا الضلال و اگر چه در اصل تورات و مزبور
 صد و دوم و فصل دوم و نهم و دسب چهارم و دسب و پنجم
 و جهلم و جهل یکم و پنجاه و هشتم و فصل شصتم و شصت و پنجم
 کتاب اشعیا و سی و هشتم و سی و نهم کتاب زکریا و
 فصل دوم کتاب هوشع و فصل هشتم کتاب زکریا و سایر
 مواضع اخیری که اکنون احصای آن برای نامه نگار ممکن
 نیست. بخوبی تصریح از این ظهور کریم و بنا بر عظیم اجبار فرموده
 لیکن در فصل (۱۲) کتاب دانیال مورخ وارد و نازل

گشته است ولی ذکر تفصیل آن در خود کتابش این مختصر است
 اگر خواهند کتاب مذکور در جرح فرمایند و اعمال آن نیست که
 دانیال علیه السلام میفرماید در سال سوم پادشاهی کورش که دیدار
 فرنگیان میروس و فارس بیان کنیخرو گویند و می برین نازل شده
 و قانع بزرگرا که تا یوم الله واقع میشود از قبیل غلبه سلاطین
 و ظهور ادیان و خرابی اراضی مقدسه و پراکنده کی بنی اسرائیل
 در این وحی اعلام شده تا آنکه در فصل دوازدهم میفرماید
 در آن هنگام سر در بزرگ میکائیلی که از جانب پروردگست
 قائمست قیام خواهد نمود و زمان تنگی که ما از بودن طوائف که تا
 آن زمان نبوده است واقع خواهد شد و در آن هنگام از قوم
 تو هر کس در کتاب مکتوب است نجات خواهد یافت و از
 خواهند گان در خاک و زمین بسیاری بیدار خواهند شد
 بعضی جهت حیات ابدی و بعضی برای شرمندگی و عارت ابدی
 و دانشمندان مثل صیبا سپهر راه نمایندگان خلق براه
 صداقت مانند کواکب ابد الابد و درخشان خواهند بود

آقا تو ای داینال این کلمات را مخفی کن و کتاب را تا بزمان انجام
 کار مقوم ساز چونکه بسیاری کرده علم زیاد کرده پس از
 چند آیه داینال میفرماید که من انان ملک که منزل ۸۹ این
 وحی بود پرسیدم چه وقت این عجایب واقع خواهد شد
 فرمود ای داینال راه خود گیر زیرا که این کلمات تا آخر زمان
 مخفی و مقوم است بسیاری پاک و سفید و قال گذاشته
 خواهند شد و شریران بجهت شرارت خود اراک خواهند نمود
 ولیکن دانشمندان فهم خواهند کرد و زمان رفع شدن قربانی
 دائمی و نصب شدن مکروهات مخفی به یک هزار و دویست
 و نود روز خواهد بود و خوشحال کسیکه انتظار کشیده بر روزهای
 یکم تا سیصد و سی پنج و برسد انتی خلاصه فصل دوازدهم
 کتاب داینال در حسب ظاهر این وحی چه اراضی مقدسه
 و شریعت المقدسه مستخر خلیفه ثانی عمر بن الخطاب شد و بفرمان
 او اهل کتاب را از اراضی مقدسه اخراج نمودند قربانی دائمی
 بنی اسرائیل در بلده اورشلیم که از فرانس دینیته ایشان بود

برداشته شد و امطار بلایا در تمام اقطار عالم بر این قوم ببارید
 گرفت و چون هزار و دویست و نود سال احقاد تحلیل در مشرق
 و مغرب مطر و ذلیل گشته آفتاب جمال مقدس ابی جل
 ذکره الاعلی از مدینه حکما مشرق شد و اراضی مقدسه
 مقرر اقدس آسنی گشت و وعده الهیه در کتب مقدسه ربانیه
 بنظور مبارکش تمام گشت کذلک بنظر الله ما کان مخزونا تحت
 الاستار و الاشارات و مستورانی غیا هب الالبصار و العیون
 لیستورن به الصدور و یحیی به القلوب انه هو علم الغیوب
 و اما انجیل تمام آن بشارتست بنزدیکی ظهور ملکوت آسمان آفتاب
 اهل عالم بر کلمه واحده توحید و ایمان و انقراض غلبه اهل ظلم و
 طغیان و لفظ انجیل که مغرب انگلیس یونانی است خود دال
 بر این مطلب است چه انگلیس مفسر و مترجم است به بشارت
 یعنی مرده بر اهل عالم تقرب قیامت و ظهور اعظم و لکن در نبوت
 یوحنا که عیسویان آنرا مکاشفات یوحنا نامیده اند مورخ معین
 بشارت داده شده است و تمام این کتاب مکاشفات

وقایع و آثار است که بعد از عیسی در عالم ظاهر شده حتی انتهی الایام
 الی یوم الدین و یوم یقوم الناس لرب العالمین بر سبیل مقدمه
 معروف می دارم که در کتاب تورات و انجیل و بنویختهای این دو
 کتاب جلیل در هر دو هر چه یوم در دنیا آمده شده هر یومی
 عبارت از یک سال بشماره خلق مثلا میفرماید بنی اسرائیل هفتاد
 روز بارگناه خود را خواهند کشید یعنی هفتاد سال و این سئله
 نزد علمای یهود و نصاری ظاهر است و در فصل چهاردهم سفر
 اعداد آیه (۲۴) از کتاب مستطاب تورا آیه و آیه (۶)
 از فصل چهاردهم در کتاب خرقیل بر این سئله تصریح نموده
 و تا وحی آله بر ابشلیک و جادله بر حق مشتبه نمایند بر این
 معنی تفصیح فرموده پس چون بر این مقدمه استحصار حاصل
 شد معروف می دارم که در باب یازدهم مکاشفات یوحنا در
 آیه اول و دوم میفرماید آنچه خلاصه آن نیست که بیت المقدس
 چهل و دو ماه پانال قبائل خواهد شد و در اصطلاحی که عرض شد
 چهل و دو ماه عبارتست از هزار و دویست و شصت یوم

یعنی بیت المقدس یک هزار و دویست و شصت سال دیران و خواب
 و مستخر اعراب و احزاب خواهد شد پس در آیه (۳) بعد میفرماید
 و دو شاهد خود را قدرت خواهیم بخشید که پلاس پوشیده کنیز
 و دویست و شصت روز نبوت نماید و اینها دو درخت زیتون
 و دو چو راغند نزد خدای زمین ایستاده اند و اگر کسی در مقام
 اضرار و معاندت ایشان بر آید بسبب آتشی که از دهان ایشان
 بیرون می آید هلاک خواهد شد و قدرت بر بستن آسمان دارند
 که در آیات نبوتشان باران بنبارد و قدرت بر آبها دارند که
 بخون مبدل نمایند انتهی و خلاصه آیات بعد از این فقرات
 مرقومه اجبار است از جلالت قدر و بزرگواری این دو شاهد
 خداوند و اجبار از قبل و ظلمی که در حق اهل بیت ایشان واقع
 شده در مدت سه سال و نیم خلافت یزید این معادیه در ملک
 شام و اجبار از قیام در جنت ایشان تا آنکه در آیه یازدهم
 در این فصل میفرماید و فرشته هفتم صور میدیدند و اهل بلند
 در آسمان مرتفع شد که مالک دنیا از خداوند ماسخ شده

است و ابر الابد سلطنت خواهد نمود انتهی پس انسان متفرس و
 هوشیار و ادراک نماید مراد از این دو شاهد در این وحی
 مبارک حضرت سید المرسلین و امیر المؤمنین علیهما الصلوٰة والسلام
 است که پلاس پوشیده و بزینت دنیا رغبت نفرمودند و هزار
 و دولیت و شصت سال نبوت و شهادت ایشان عالم را
 منور ساخت و مالک بطلان و شرک دین و شام و مصر و عراق
 و ایران از شرک و بت پرستی نجات بخشید بلکه فرود
 نبوت کبری از قطعه آسیا بمالک افریقا دار و پاتانت و
 بعضی آن حدود را نیز از تنگ عبادت با صنایع بیرون آورد
 و در این مدت بیت المقدس و سایر اراضی مقدسه خواب
 و پایمال قبایل شد و پس از انقضای هزار و دولیت و شصت
 سال ندای ظهور قائم در جهت آل محمد بلند شد و پس از شهادت
 منظر قائمیت و صعود آنحضرت بملکوت عزت ندای ظهور شد
 و ظهور سیح دور و قیامت و یوم الله در اقطار عالم مرتفع
 است و الملک یومئذ شد و نیز در فصل دوازدهم مکاشفات

و حقایق فریاد و طامتی عظیم در آسمان سرزد که زنی پوشیده بود
 خورشید را و ناله در زیر پایش بود بر سرش تابی بود از درد اذیت
 ستاره و آن زن آبتن بود و از در و زبده مینالید و دیدم
 از دهای بزرگ آتشین که هفت سروده شاخ داشت و بر سر
 او انسر بود و دمش مثلث کواکب آسمان را بر زمین میرنجیت و
 میخو است که چون آن زن بزاید فرزندش را فرود آورد و آید
 آن زن فرزند ز کوریرا که بصای آمینین بر کل طوائف حکم
 خواهد راند و آن بچه ر بوده شد تا نزد خداوند و عرش او از
 جانب خداوند برای او مکانی معین شد که آن فرزند را بپذیرد و
 دولیت و شصت روز سپرد راند پس در آیه ۱۰ این فصل سفیر
 و انگاه ندای بلند از آسمان سموع شد که حال نجات و توانائی
 و سلطنت خداوند وسیع او و وقوع یافت انتهی اینست
 خلاصه بشارت این فصل و نزد صاحبان قلب منیر روشن است
 که مراد از آن زن حضرت صدیقۀ طاهره فاطمه سلام الله
 و بهانه علیها است و آفتاب شمس نبوت حضرت سید المرسلین

واه قمر ولایت امیر المؤمنین و دو از ده ستاره ائمه
 طاهرین صلوات الله و بحایه علیهم اجمعین و اثر دهای بزرگ
 خلفای بنی ائمه بودند که افسر سلطنت بر سر داشتند و بر اکثر
 ممالک آسیا و افریقا و بعض از اروپا غلبه و استیلا یافتند و
 یک ثلث از سادات و علماء و زهادت فخریه اسلام را
 که ستاره های روشن و کواکب منیره دین متین احمدی بودند شهید
 نمودند و بر زمین ریختند و فرزند زکوری که بر همه طوائف حکم خواهد
 داد قائم آل محمد بود که وجود او در سش بکینار او دو لیست و
 شصت سال در پرده غیب لدی العرش مخزون بود و پس از
 ظهور تمام خلق بر اویم الله و نزول مسیح با سم

من لیلره الله بشارت

هدایت

فرمود